

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۴۷

آیه ۴۹

آیه و ترجمه

۴۹ و اذ نجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب یذبحون ابناءکم و یتحیون نساءکم و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم ۴۹
ترجمه :

۴۹- و (نیز به خاطر بیاورید) آنزمان که شما را از چنگال فرعونیان رهائی بخشیدیم که همواره شما را به شدیدترین وجهی آزار می دادند: پسران شما را سر می بریدند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می داشتند و در این، آزمایش سختی از طرف پروردگار برای شما بود.

تفسیر :

نعمت آزادی

قرآن در این آیه به یکی دیگر از نعمتهای بزرگی که به قوم بنی اسرائیل ارزانی داشته اشاره می کند و آن نعمت آزادی از چنگال ستمکاران است که از بزرگترین نعمتهای خدا است. به آنها یادآور می شود که: بخاطر بیاورید زمانی را که شما را از دست فرعونیان نجات بخشیدیم (و اذ نجیناکم من آل فرعون). همانها که دائما شما را به شدیدترین وجهی آزار می دادند (یسومونکم سوء العذاب).

پسرانستان را سر می بریدند، و زنان شما را برای کنیزی و خدمت، زنده نگه می داشتند (یذبحون ابنائکم و یتحیون نساءکم).
و در این ماجرا آزمایش سختی از سوی پروردگارتان برای شما بود (و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم).

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۴۸

قرآن مخصوصا برای مجسم ساختن عذاب فرعونیان نسبت به بنی اسرائیل تعبیر به یسومون کرده (یسومون فعل مضارع از ماده سوم است که در اصل به معنی دنبال چیزی رفتن می باشد و از آنجا که فعل مضارع معمولا معنی دوام و استمرار را می بخشد، در می یابیم که بنی اسرائیل به طور مداوم تحت شکنجه

فرعونیان بوده‌اند).

با چشم خود می‌دیدند که پسران بیگناهشان را سر می‌برند، و از سوی دیگر دخترانشان را به کنیزی می‌بردند، و از این گذشته خودشان نیز دائماً تحت شکنجه بودند، بردگان و خدمتگزاران و کارگران قبطیان و دار و دسته فرعون محسوب می‌شدند.

مهم این است که قرآن، این جریان را یک آزمایش سخت و عظیم، برای بنی اسرائیل می‌شمرد (یکی از معانی بلاء آزمایش است) و به راستی تحمل اینهمه ناملایمات، آزمایش سختی بوده است.

این احتمال نیز وجود دارد که بلاء در اینجا به معنی مجازات باشد، زیرا بنی اسرائیل پیش از آن، قدرت و نعمت فراوان داشتند، و کفران کردند، و خدا آنها را مجازات کرد.

احتمال سومی در تفسیر این جمله نیز از سوی بعضی از مفسران ذکر شده است که بلاء به معنی نعمت باشد، یعنی نجات از چنگال فرعونیان نعمتی بزرگ برای شما بود.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۴۹

به هر حال روز نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان یک روز مهم تاریخی بود که قرآن کراراً روی آن تکیه کرده است.

بردگی دختران در آن روز و امروز

قرآن زنده گذاردن دختران و سر بریدن پسران بنی اسرائیل را عذاب می‌خواند، و آزادی از این شکنجه را نعمت خویش می‌شمارد. گویا می‌خواهد هشدار دهد که انسانها بایست سعی کنند آزادی صحیح خویش را بهر قیمت که هست بدست آورند و حفظ نمایند. چنانکه علی (علیه السلام) به این مطلب در گفتار خود اشاره می‌فرماید: الموت فی حیاتکم مقهورین و الحیاة فی موتکم قاهرین زنده بودن و زیردست بودن برای شما مرگ است، و مرگ برای شما در راه بدست آوردن آزادی زندگی است).

ولی دنیای امروز با گذشته این فرق را دارد که در آن زمان فرعون با استبداد مخصوص خود پسران و مردان را از جمعیت مخالفش می‌گرفت، و دختران آنها را آزاد می‌گذارد، ولی در دنیای امروز تحت عناوین دیگری روح مردانگی در افراد کشته می‌شود و دختران به اسارت شهوات افراد آلوده در می‌آیند.

اما چرا فرعون تصمیم به قتل پسران بنی اسرائیل و زنده گذاردن دختران آنها گرفت؟ بعضی از مفسران منشاء این جنایت را خوابی می‌دانند که فرعون دید پاسخ صحیح‌تر آن را در ذیل آیه ۴ سوره قصص خواهید خواند، و خواهید دانست که سبب کشتار فرزندان بنی اسرائیل تنها آن خواب نبوده است بلکه وحشت فرعونیان از نیرومند شدن بنی اسرائیل و به دست گرفتن حکومت، به این موضوع کمک کرده است.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۰

آیه ۵۰

آیه و ترجمه

و اذ فرقنا بکم البحر فانجینکم و اغرقنا آل فرعون و انتم تنظرون ۵۰

ترجمه :

۵۰- و (به خاطر بیاورید) هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را غرق ساختیم و شما تماشا می‌کردید.

تفسیر :

نجات از چنگال فرعونیان

از آنجا که در آیه گذشته اشاره اجمالی به نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان شد، آیه مورد بحث در حقیقت توضیحی بر چگونگی این نجات است که خود نشانه‌ای است از نعمتهای بزرگ پروردگار بر بنی اسرائیل. می‌گوید: به خاطر بیاورید هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم (و اذ فرقنا بکم البحر).

و شما را نجات دادیم و فرعونیان را غرق کردیم در حالی که تماشا می‌کردید (فانجیناکم و اغرقنا آل فرعون و انتم تنظرون).

ماجرای غرق شدن فرعونیان در دریا و نجات بنی اسرائیل از چنگال آنها در سوره‌های متعددی از قرآن آمده است، از جمله سوره اعراف آیه ۱۳۶- انفال آیه ۵۴- اسراء آیه ۱۰۳- اشعراء آیه ۶۳ و ۶۴- زخرف آیه ۵۵ و دخان آیه ۱۷ به بعد.

در این سوره‌ها تقریباً همه جزئیات این ماجرا شرح داده شده، ولی در آیه مورد بحث تنها اشاره‌ای از نظر نعمت و لطف خداوند به بنی اسرائیل شده، تا آنها را به پذیرش اسلام، آئین نجات بخش جدید، تشویق کند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۱

همانگونه که مشروح این جریان را در سوره‌های نامبرده خواهید خواند موسی پس از تبلیغ فراوان و دعوت فرعون و فرعونیان و ارائه معجزات گوناگون و عدم پذیرش آنها ماء‌مور می‌شود که نیمه شب با بنی اسرائیل از مصر کوچ کند، اما هنگامی که به نزدیک دریا (شط عظیم نیل) می‌رسد ناگاه متوجه می‌شوند که فرعون و لشگرش آنها را از پشت سر تعقیب می‌کنند، اضطراب و وحشت سراسر وجود بنی اسرائیل را فرا می‌گیرد از پیش رو دریا و از پشت سر لشگر نیرومند فرعون که تاب مقاومت با آن را ندارند، در اینجا است که موسی (علیه السلام) ماء‌موریت پیدا می‌کند عصا را به دریا بزند، راه‌های متعددی از دل دریا گشوده می‌شود، و جمعیت بنی اسرائیل به سلامت از دریا می‌گذرند، از آنطرف لشگر مخالف که همچنان آنها را تعقیب می‌کردند همه به وسط دریا می‌رسند، آبها بهم می‌پیوندند، و همگی هلاک می‌شوند. جسدهای مرده لشکریان فرعون روی آبها قرار می‌گیرند، و جمعیت بنی اسرائیل با چشم خویش می‌بینند که دشمن به چه روزی افتاده است؟. این حالت اضطراب و وحشت، و آن نجات، هر دو درخور دقت است، که آنها را با هم مقایسه کنند و خدا را شکر گویند. قرآن می‌خواهد به یهودیان بگوید من که نسبت به شما این مقدار لطف کردم و شما را از آن وحشت و اضطراب رهایی بخشیدم، چرا با پیامبر اسلام (فرستاده من) و دستورات او مخالفت می‌ورزید؟ در ضمن این آیه درسی است برای انسانها که اگر در زندگی به خدا تکیه کنند، به آن نیروی بی‌زوال، اعتماد داشته باشند، و در مسیر صحیح از هیچگونه کوشش و تلاش باز نایستند، در سخت‌ترین دقائق، خداوند یار و مدد کار آنها است.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۲

آیه ۵۱ - ۵۴

آیه و ترجمه

و اذ وعدنا موسی اربعین لیلة ثم اتخذتم العجل من بعده و انتم ظلمون ۵۱
 ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون ۵۲
 و اذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان لعلکم تهتدون ۵۳
 و اذ قال موسی لقومه یقوم انکم ظلمتم انفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا الی
 بارئکم فاقتلوا انفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم فتاب علیکم انه هو التواب
 الرحیم ۵۴

ترجمه :

۵۱- و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم (و او به میعادگاه برای گرفتن فرمانهای الهی آمد) سپس شما گوساله را (معبود خود) انتخاب نمودید درحالی که با این کار (به خود) ستم می کردید. ۵۲- سپس شما را بعد از آن بخشیدیم، شاید شکر این نعمت را بجا آورید. ۵۳- و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی کتاب وسیله ای تشخیص حق از باطل را دادیم تا هدایت شوید ۵۴- و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم شما با انتخاب گوساله به خود ستم کردید، توبه کنید و به سوی خالق خود باز گردید، و خود را به قتل برسانید این کار برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است سپس خداوند توبه شما را پذیرفت زیرا او تواب و رحیم است.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۳

تفسیر :

بزرگترین انحراف بنی اسرائیل

قرآن در این چهار آیه به بخش دیگری از تاریخ پر ماجرای بنی اسرائیل اشاره کرده، و خاطرات تکان دهنده ای را به یهودیان یادآور می شود. این آیات از بزرگترین انحراف بنی اسرائیل در طول تاریخ زندگیشان سخن می گوید، و آن انحراف از اصل توحید، به شرک و گوساله پرستی است، و به آنها هشدار می دهد که شمایکبار در تاریختان بر اثر اغواگری مفسدان گرفتار چنین سرنوشتی شدید اکنون بیدار باشید راه توحید خالص (راه اسلام و قرآن) به روی شما گشوده شده، آن را رها نکنید نخست می گوید: به خاطر بیاورید زمانی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم (و اذ واعدنا موسی اربعین لیلة). هنگامی که او از شما جدا شد، و میعاد سی شبه او به چهل شب تمدید گردید شما گوساله را بعد از او به عنوان معبود انتخاب کردید، در حالی که با این عمل، به خود ستم می کردید (ثم اتخذتم العجل من بعده و انتم ظالمون). شرح این ماجرا در سوره اعراف از آیه ۱۴۲ به بعد، و در سوره طه آیه ۸۶ به بعد مشروحا خواهد آمد و خلاصه آن چنین است: بعد از نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان و غرق شدن آنها در نیل، موسی ماء موریت پیدا می کند برای گرفتن الواح تورات، مدت سی شب به کوه طور

برود، ولی بعدا برای آزمایش مردم، ده شب تمديد می گردد، سامری که مردی
نیرنگ باز بود از این فرصت استفاده کرده، از طلا و جواهراتی که نزد بنی
اسرائیل از فرعونیان به یادگار مانده بود گوساله ای می سازد که صدای
مخصوصی از آن بگوش می رسد و بنی اسرائیل را به پرستش آن دعوت می کند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۴

اکثریت قاطع بنی اسرائیل به او می پیوندند، هارون (علیه السلام) جانشین و
برادر موسی (علیه السلام) با اقلیتی بر آئین توحید باقی می ماند، اما هر چه
می کوشند دیگران را از این انحراف بزرگ باز گردانند توفیق نمی یابند، بلکه
چیزی نمانده بود که خود هارون را هم از بین ببرند.

موسی پس از بازگشت از کوه طور از مشاهده این صحنه شدید ناراحت
می شود و آنها را سخت ملامت می کند، آنها متوجه زشتی کار خود می شوند و
در صدد توبه بر می آیند، موسی از طرف خداوند پیشنهاد یک توبه بی سابقه به
آنها می دهد که شرح آن در آیات آینده خواهد آمد.

در آیه بعد خداوند می گوید: با این گناه بزرگ باز شما را عفو کردیم شاید
شکر نعمتهای ما را بجا آورید (ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون).
و در ادامه این بحث می فرماید: به خاطر بیاورید هنگامی را که به موسی کتاب
و وسیله تشخیص حق از باطل بخشیدیم، تا شما هدایت شوید (و اذ آتینا موسی
الکتاب و الفرقان لعلکم تهتدون).

کتاب و فرقان ممکن است هر دو اشاره به تورات باشد و نیز ممکن است کتاب
اشاره به تورات و فرقان اشاره به معجزاتی باشد که خداوند در اختیار موسی
گذاشته بود (چون فرقان در اصل به معنی چیزی است که حق را از باطل برای
انسان مشخص می کند) سپس در زمینه تعلیم توبه از این گناه می گوید:
بخاطر بیاورید هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: ای جمعیت شما با
انتخاب گوساله به خود ستم کردید (و اذ قال موسی لقومه یا قوم انکم ظلمتم
انفسکم باتخاذکم العجل).

اکنون که چنین است توبه کنید و به سوی آفریدگارتان باز گردید (فتوبوا الی
بارئکم).

باری به معنی خالق است و در اصل به معنی جدا کردن چیزی از چیز دیگر
می باشد، چون آفریدگار مخلوقات خود را از مواد اصلی و نیز از یکدیگر جدا
می کند، اشاره به اینست که دستور این توبه شدید را همان کسی می دهد که

آفریننده شما است.

توبه شما باید به این گونه باشد که یکدیگر را به قتل برسانید! (فاقتلوا انفسکم).

این کار برای شما در پیشگاه خالقان بهتر است (ذلکم خیر لکم عند بارئکم). و به دنبال این ماجرا خداوند توبه شما را پذیرفت که او ثواب رحیم است (فتاب علیکم انه هو التواب الرحیم).

گناه عظیم و توبه بیسابقه

شک نیست که پرستش گوساله سامری، کار کوچکی نبود، ملتی که بعد از مشاهده آنهمه آیات خدا و معجزات پیامبر بزرگشان موسی (علیه السلام) همه را فراموش کنند و با یک غیبت کوتاه پیامبرشان به کلی اصل اساسی توحید و آئین خدا را زیر پا گذارده بت پرست شوند.

اگر این موضوع برای همی‌شه از مغز آنها ریشه کن نشود وضع خطرناکی به وجود خواهد آمد، و بعد از هر فرصتی مخصوصا بعد از مرگ موسی (علیه السلام)، ممکن است تمام آیات دعوت او از میان برود، و سرنوشت آئین او به کلی به خطر افتد در اینجا باید شدت عمل به خرج داده شود، و هرگز تنها با پشیمانی و اجرای صیغه توبه بر زبان نباید قناعت گردد، لذا فرمان شدیدی از طرف خداوند، صادر شد که در تمام طول تاریخ پیامبران مثل و مانند ندارد، و آن اینک که ضمن دستور توبه و بازگشت به توحید، فرمان اعدام دست‌جمعی گروه کثیری از گنهکاران بدست

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۶

خودشان صادر شد.

این فرمان به نحو خاصی می‌بایست اجرا شود یعنی خود آنها باید شمشیر به دست گیرند و اقدام به قتل یکدیگر کنند که هم کشته شدنش عذاب است و هم کشتن دوستان و آشنایان.

طبق نقل بعضی از روایات موسی دستور داد در یک شب تاریک تمام کسانی که گوساله پرستی کرده بودند غسل کنند و کفن بپوشند و صف کشیده شمشیر در میان یکدیگر نهند!

ممکن است چنین تصور شود که این توبه چرا با این خشونت انجام گیرد؟ آیا ممکن نبود خداوند توبه آنها را بدون این خونریزی قبول فرماید؟

پاسخ به این سؤال از سخنان بالا روشن می‌شود، زیرا مسأله انحراف از اصل

توحید و گرایش به بت پرستی مسأله ساده‌ای نبود که به این آسانی قابل گذشت باشد، آنهم بعد از مشاهده آنهمه معجزات روشن و نعمتهای بزرگ خدا.

در حقیقت همه اصول ادیان آسمانی را می‌توان در توحید و یگانه پرستی خلاصه کرد، تزلزل این اصل معادل است با از میان رفتن تمام مبانی دین، اگر مسأله گوساله پرستی ساده‌تلقی می‌شد، شاید سنتی برای آیندگان می‌گشت، بخصوص اینکه بنی اسرائیل به شهادت تاریخ مردمی پر لجاجت و بهانه جو بودند، لذا باید چنان گوشمالی به آنها داده شود که خاطره آن در تمام قرون و اعصار باقی بماند و کسی هرگز بعد از آن به فکر بت پرستی نیفتد، و شاید جمله ذلکم خیر لکم عند بارئکم (این کشتار نزد خالقان برای شما بهتر است) اشاره به همین معنی باشد.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۷

آیه ۵۵ - ۵۶

آیه و ترجمه

و اذ قلتم یموسیٰ لن نؤمن لک حتی نری الله جهرۃ فاخذتکم الصعقة و انتم تنظرون ۵۵

ثم بعثنکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون ۵۶

ترجمه :

۵۵- و (نیز به خاطر بیاورید) هنگامی که گفتید ای موسیٰ ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم، در همین حال صاعقه شما را گرفت درحالی که تماشا می‌کردید.

۵۶- سپس شما را پس از مرگتان حیات بخشیدیم، شاید شکر نعمت او را بجا آورید.

تفسیر :

تقاضای عجیب!

این دو آیه یکی دیگر از نعمتهای بزرگ خدا را به بنی اسرائیل یادآور می‌شود، و نشان می‌دهد چگونه آنها مردمی لجوج و بهانه‌گیر بودند و چگونه مجازات سخت الهی دامانشان را گرفت ولی بعد از آن باز لطف خدا شامل حالشان شد. آیه نخست می‌گوید به خاطر بیاورید هنگامی را که گفتید ای موسیٰ ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه خدا را آشکارا با چشم خود ببینیم

(و اذ قلت يا موسى لن تؤمن لك حتى نرى الله جهره).
این در خواست ممکن است به خاطر جهل آنها بوده، چرا که درک افراد نادان
فرا تر از محسوساتشان نیست، حتی می‌خواهند خدا را با چشم خود ببینند.
و یا به خاطر لجاجت و بهانه‌جویی بوده است که یکی از ویژگیهای

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۸

این قوم بوده.
به هر حال آنها صریحا به موسی گفتند: تا خدا را بالعیان و با همین چشم
نبینیم هرگز ایمان نخواهیم آورد!.
در اینجا چاره‌ای جز این نبود که یکی از مخلوقات خدا که آنها تاب مشاهده آن
را ندارند ببینند، و بدانند چشم ظاهر ناتوانتر از این است که حتی بسیاری از
مخلوقات خدا را ببینند، تا چه رسد به ذات پاک پروردگار: صاعقه‌ای فرود آمد
و بر کوه خورد، برق خیره کننده و صدای رعب انگیز و زلزله‌ای که همراه
داشت آنچنان همه را در وحشت فرو برد که بیجان به روی زمین افتادند.
چنانکه قرآن در دنبال جمله فوق می‌گوید: سپس در همین حال صاعقه شما
را گرفت در حالی که نگاه می‌کردید (فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون).
موسی از این ماجرا سخت ناراحت شد، چرا که از بین رفتن هفتاد نفر از سران
بنی اسرائیل در این ماجرا بهانه بسیار مهمی بدست ماجراجویان بنی اسرائیل
می‌داد که زندگی را بر او تیره و تار کند، لذا از خدا تقاضای بازگشت آنها را به
زندگی کرد، و این تقاضای او پذیرفته شد، چنانکه قرآن در آیه بعد می‌گوید:
سپس شما را بعد از مرگتان حیات نوین بخشیدیم شاید شکر نعمت خدا را بجا
آورید (ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون).
آنچه به طور اجمال در این دو آیه آمده است به صورت مشروحتر در سوره
اعراف در آیه ۱۵۵ و سوره نساء آیه ۱۵۳ بیان شده است.
به هر حال این داستان نشان می‌دهد که پیامبران بزرگ خدا در مسیر

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۵۹

دعوت مردم نادان و لجوج با چه مشکلات بزرگی روبرو بودند، گاه معجزات
اقتراح‌ی از آنها می‌طلبیدند و گاه قدم را فرا تر نهاده مشاهده خدا را با چشم
ظاهر تقاضا می‌کردند و قاطعانه می‌گفتند تا چنین درخواستی انجام نگیرد
ایمان آوردن محال است! و هنگامی که با عکس العمل شدیدی از ناحیه

پروردگار روبرو می شدند باز هم مشکل تازه‌ای پیش می آمد، که اگر لطف خدا نبود، مقاومت در برابر این بهانه جوئیها امکان نداشت. ضمناً این آیه از آیاتی است که دلالت بر امکان رجعت و بازگشت به زندگی در این دنیا، دارد، چرا که وقوع آن در یک مورد دلیل بر امکان آن در سایر موارد است.

بعضی از مفسران اهل تسنن از آنجا که مایل بوده‌اند رجعت و بازگشت به زندگی را نپذیرند برای آیه فوق توجیهی ذکر کرده‌اند و گفته‌اند منظور این است که بعد از مردن گروهی از شما در حادثه صاعقه، خداوند فرزندان و نسلهای فراوان به شما داد تا دودمانتان منقرض نشود!

ولی ناگفته پیداست که این تفسیر کاملاً بر خلاف ظاهر آیه فوق است، زیرا ظاهر جمله ثم بعثناکم من بعد موتکم شما را بعد از مرگتان برانگیختیم بهیچوجه با این معنی سازگار نیست.

← بعد

↑ غرت

→ قبل